

بررسی عوامل و زمینه‌های گسست نسل‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا*

اشاره

یکی از آسیب‌های جامعه ما، اختلافات بین نسل‌ها در زمینه‌های مختلف است که سرچشمهٔ پیدایش مشکلاتی می‌شود که هم می‌توان به عنوان آسیب اجتماعی از آن یاد کرد و هم به صورت مسائل و بحران‌های خانوادگی به آن توجه داشت. در برخورد نسل‌ها با یکدیگر سه وضعیت تصور می‌شود: پیوند نسل‌ها، تفاوت نسل‌ها و تقابل نسل‌ها. حالت پیوند میان نسل‌ها زمانی است که حوزهٔ ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای دو نسل با هم منطبق باشد؛ در این حالت، همدلی میان نسل سالخورده و جوان و احترام متقابل همراه با انتقال تجربه از نسل قبل به نسل بعد و زندگی مسالمت‌آمیز دیده می‌شود. تفاوت نسل‌ها هنگام یکسانی ارزش‌ها با همدیگر است؛ اما با تفاوت در حوزهٔ رفتاری آنها. زمانی که نه در حوزهٔ هنجارها و نه حوزهٔ رفتاری توافقی وجود نداشته باشد، دچار گسست یا

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

انقطاع نسل می‌شویم. این نوشتار می‌کوشد به اختصار به گسست نسل‌ها بپردازد.

معنای نسل

واژه «نسل»، «در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آماده کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند، گروهی که در زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده، یا ازدواج کرده‌اند»^۱. برخی نسل را گروهی از افراد می‌دانند که در فاصله زمانی معین به دنیا آمده‌اند.^۲

تفاوت نسل‌ها

تفاوت بین نسل‌ها امری طبیعی است؛ به گونه‌ای که با وجود نداشتن تفاوت بین نسل امروز و نسل گذشته در طول سال‌های متمادی زندگی، جوامع انسانی توسعه پیدا نمی‌کرد و جامعه تبدیل به مردابی راکد می‌شد. نسل امروز نسل ماهواره، اینترنت، موبایل و نسل انقلاب ارتباطات است. نسل امروز به مدد کامپیوتر و موتور جستجوگر، دنیا را زیر انگشتانش درآورده است. لازمه تحول آن است که نسل جدید در منش و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری، با شتاب فزاینده رو به تزاید است؛ از این‌رو تفاوت نسل‌ها بیشتر از گذشته احساس می‌شود. امروزه سرعت رشد اطلاعات و تکنولوژی در خانواده‌ها به اندازه‌ای زیاد شده که حتی دو فرزند با فاصله سنی کم نیز با یکدیگر متفاوت هستند. اگر در گذشته

۱. باقر ساروخانی، درآمدي بر دائرةالمعارف علوم اجتماعي، ص ۱۰۷.

۲. توزال بیکر، نحوه انجام تحقیقات اجتماعي، ص ۱۱۸.

و پیش از عصر ارتباطات، اطلاعات و گردش سریع علمی طول یک نسل میانگین ۲۵ سال بود، امروزه با توجه به شرایط موجود فاصله نسل‌ها به کمتر از پنج سال کاهش پیدا کرده است.^۱

اسلام تنوع میان انسان‌ها را تأیید و آن را در راستای اراده الهی قلمداد کرده است. خداوند درباره وجود تنوع در ابعاد مختلف میان انسان‌ها فرموده است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا»^۲؛ و به تحقیق، خداوند شما را به حالات و هیئت‌های مختلفی آفرید.

در تفاسیر مختلف این آیه نشانه وجود تفاوت و تنوع بین انسان‌ها در ابعاد و سطوح مختلف ارزیابی شده است.^۳

گسست و فاصله نسل‌ها

دورشدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی با یکدیگر از حیث عاطفی، فکری و ارزشی وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که در اصطلاح «گسست نسل‌ها» نامیده می‌شود. غالباً در این وضعیت نوجوانان و جوانان می‌کشند آخرین پیوندهای وابستگی خود از والدین را با نسل بالغ بگسلند و بیشتر در این راه به گردن‌کشی و طغیان‌گری می‌پردازند.^۴

منظور از فاصله نسلی، تفاوت‌های عمیق هنجاری و رفتاری است که میان نسل اول (پدربزرگ و مادربزرگ)، نسل دوم (والدین) و نسل سوم (نوه‌ها) پدید می‌آید. در این رویکرد رابطه نسل‌ها با یکدیگر بر مبنای احساس بی‌نیازی و استقلال کامل است که در عمل منجر به فاصله‌گرفتن

۱. سایت انتخاب، کد خبر: ۱۰۹۳۲۴، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲.

۲. نوح: آیه ۱۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۷۱.

۴. پنجامین اسپاک، پرورش فرزند در عصر دشوار، ص ۲۵۹.

از یکدیگر می‌شود و به مرزبندی و جدایی کامل از هم می‌انجامد. شکاف نسلی از آن‌رو نگران‌کننده است که با بحران هویت پیوندی وثیق و عمیق یافته است. درباره شکاف و گسست نسلی در ایران سه دیدگاه وجود دارد:

۱. دیدگاهی که از وجود «شکاف نسلی بزرگ» در ایران حمایت می‌کند.
 ۲. دیدگاهی که «شکاف بزرگ» را «توهم» دانسته، آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند.
 ۳. دیدگاه بین دو دیدگاه پیشین که اعتقاد به وجود «گسست و تفاوت انتخابی» میان نسل‌ها دارد.^۱
- به نظر می‌رسد شکاف میان نسل‌ها هنوز در کشور ما ایجاد نشده؛ اما همچنان کشمکش بین نسلی وجود دارد و هرچه جلوتر می‌رویم، احساس نگرانی در این باره ایجاد می‌شود؛ به گونه‌ای که در صورت مدیریت نکردن صحیح، این کشمکش می‌تواند منجر به شکافی عمیق و بحران شود.

زمینه‌های پیدایش گسست نسل‌ها

افزون بر مشکلات و چالش‌های موجود برای نسل جوان، بسترها و زمینه‌هایی می‌توانند سبب پیدایش گسست نسل‌ها شوند. برخی از این بسترها و زمینه‌ها عبارت‌اند از:

۱. به‌روزنبودن اطلاعات والدین

یکی از واقعیت‌های انکارنشدنی این است که کودکان و نوجوانان نسل امروز دسترسی بیشتری به حجم انبوهی از اطلاعات مترام دارند؛ در

۱. سعید معیدفر، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، ص ۵۵ - ۸۰.

سال‌های اخیر تعداد کاربران اینترنتی کشور به ۴۲ میلیون نفر رسیده است. نکته مهم مورد توجه خانواده‌ها این است که امروزه جوانان و نوجوانان، در دسترسی به اطلاعات از سایر قشرها پیشی گرفته‌اند. بخشی از جدایی به وجود آمده میان نسل‌ها به دلیل تخصص جوانان است که سبب پدیده فن‌سالاری شده است؛ بدین معنا که بزرگسالان در مقابل جوان‌ها اطلاعات اندکی دارند. در واقع تکنولوژی جایگزین تجربه شده است؛ اما بعضی والدین نسبت به اینگونه مسائل غفلت کرده یا با احتیاط حرکت می‌کنند که این مهم، زمینه‌ساز گسست نسلی است.

نسل جدید بنا به ماهیت جوان‌بودن و پرانرژی‌بودن، توان کاستن از شتاب خود را ندارد؛ بنابراین برای کاهش این فاصله چاره‌ای جز این نیست که نسل قدیم تلاش کند خود را با شرایط کنونی تطبیق دهد؛ یعنی بر سرعت خود بیفزاید. این در واقع همان چیزی است که در بعضی افراد نسل گذشته می‌بینیم و از چنین افرادی با اصطلاحاتی چون «داشتن فکر باز»، «متجددبودن»، «درک کردن نسل جوان» و «به‌روزمودن طرز تفکر»، یاد می‌کنیم.

خانواده‌ها در صورت برخورداری از دانش استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و به‌روزرسانی خود، افزون بر گشودن راه گفتگوی «دو طرفه» با آگاه‌سازی و هشدارهای لازم به فرزندان خود، آنان را در مقابل بزرگراه‌های اطلاعاتی و فضاهای سایبری واکسینه می‌کنند. رسالت تربیت والدین اقتضا می‌کند نسبت به مقتضیات زمان آگاه باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند پیشامدهای آینده را نیز پیش‌بینی و درمان کنند. امام صادق علیه السلام

می‌فرماید: «العالمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايسُ»؛^۱ عالم آگاه به زمان، مسائل پیچیده بر او شبیخون نمی‌زند. امام علی علیه السلام این مطلب را این‌گونه بیان نموده است: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ»؛^۲ آگاه‌ترین مردم به زمانه کسی است که از پیش آمده‌های روزگار تعجب نکند. در ادامه می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يُغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِغْدَادِ»؛^۳ آن‌که وضع روزگار را بشناسد، از آمادگی غافل نمی‌شود. بلکه بالاتر از همه اینها باید نسل را برای روزگاران بعد تربیت کرد.

۲. کاهش ارتباط کلامی

ارتباط کلامی عامل پیونددهنده درونی دو نسل به یکدیگر است. کم‌شدن ارتباط کلامی میان دو نسل، به تدریج جدایی آن دو را به همراه خواهد داشت. با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به خانه‌ها، والدین و فرزندان با وجود نزدیکی فیزیکی و بودن زیر یک سقف، گاه فاصله عاطفی و معنوی زیادی را از یکدیگر تجربه می‌کنند و افراد خانواده کمترین مراودات و گفتگوی همدلانه را با همدیگر دارند. به گفته بعضی مسئولان، متأسفانه در وضعیت کنونی، فضای مجازی سبب فاصله کلامی بین خانواده‌ها شده است؛ در چند سال گذشته ارتباط کلامی روزانه خانواده دوساعت بوده؛ ولی در حال حاضر به هفده دقیقه رسیده است.^۴ اختصاص دادن زمانی برای گفتگوهای دوره‌می درباره مسائل مختلف در ساعات مشخصی از روز، از این فاصله نسلی جلوگیری می‌کند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷.

۲. عبدالواحد آمدی، غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۳.

۴. سایت مشرق، کد خبر ۶۳۶۳۶۰، ۶ مهر ۱۳۹۵.

نسل دیروز نمی‌تواند هم‌گام نسل امروز باشد که اگر چنین بود، بشر هرگز به جلو پیش نمی‌رفت؛ اما باید بکوشد هم‌کلام نسل امروز باشد که اگر نباشد، جز سکوت ناشی از احترام و سرپیچی پنهانی در برابر نصایح چیزی تجربه نخواهد کرد. یکی از عوامل سبب فاصله‌گرفتن کلامی بین خانواده‌ها، اشتغال فراوان والدین یا چندشغل بودن پدر است که پدران برای جبران کمبودهای زندگی باید تا پاسی از شب را در خارج از خانه به سر ببرند و مادران نیز برای کمک به مخارج خانواده به سراغ شغل‌های بیرون از خانه می‌روند که سبب ارتباط کمتر والدین با فرزندان و کاهش ظرفیت‌های روحی و روانی مناسب با فرزندان و مشکلات آنان می‌شود.

۳. ناتوانی در انتقال ارزش‌ها

گرچه برخی افراد در پی القای بی‌اعتقادی نسل جوان به دین و ارزش‌های دینی‌اند؛ اما مطالعات بیانگر آن است که بیشتر جوانان کشور به ارزش‌های اسلامی و انسانی باور دارند؛ اما عده‌ای از آنان در هنجارهای اجتماعی و در شیوه تحقق ارزش‌ها با والدین خود دچار اختلاف نظرند که این مسئله، امری طبیعی به شمار می‌رود. برای مثال در حال حاضر به بهانه تغییر تفکرات نسل جدید، شاهد مادر چادری و دختر مانتویی و چادری‌های بدحجاب هستیم. در واقع این سؤال طرح می‌شود که چرا مادری چادری نتوانسته دختر خود را مجاب به استفاده از پوشش کامل یا حجاب برتر نماید؟ هرچند عوامل مختلفی در به‌وجود آمدن این پدیده ایفای نقش می‌کنند؛ اما به‌یقین یکی از مهم‌ترین دلایل، ناتوانی والدین در آموزش حجاب به فرزندان است؛ زیرا خانواده اولین نهادی است که می‌تواند راه فهم درست هر موضوعی از جمله پوشش را

آموزش دهد. متأسفانه در مواردی والدین به جای تبیین و توضیح چرایی انتخاب حجاب برتر، از قدرت استفاده کرده و آنها را مجبور به استفاده از چادر می‌نمایند. این جبر سبب می‌شود دختر نزد والدین محجبه و در جمع دوستان و جامعه چادری بدحجاب باشد!

از آنجا که ارزش‌های اجتماعی برخاسته از مکتب اسلام، ریشه در فطرت سالم انسان‌ها دارد و از مبانی عمیق عقلانی برخوردار است، به نظر می‌رسد با استفاده از زبان منطقی و همدلی نه تعصب و تحکم، می‌توان آنها را به نسل جدید منتقل کرد. نداشتن برنامه و استراتژی برای تربیت سبب پایه‌ریزی اختلاف نسل‌ها می‌شود. بعضی خانواده‌ها با سلب مسئولیت از خود، امور تربیت فرزند را به مراکز یا مراکز مانند مهد کودک و مراجع رسمی دیگر واگذار نموده‌اند؛ در حالی که هیچ نهادی جایگزین خانواده نمی‌شود. آموزش صحیح خانواده در دوران کودکی از روی عطف و مهربانی سبب درونی شدن ارزش‌های دینی‌ای همچون حجاب خواهد شد. امام علی علیه السلام درباره تربیت‌پذیر بودن کودک و نوجوان می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^۱ قلب نونهال مانند زمین خالی است که هر تخمی در آن افشاندن شود، می‌پذیرد.

۴. اختلال در فرآیند الگوسازی

در گذشته نهادهای سنتی، متولی اصلی انتقال فرهنگی بودند که از خانواده شروع می‌شد و در نهاد آموزش رسمی مثل مدرسه ادامه پیدا می‌کرد؛ اما امروزه جامعه‌پذیری فرزندان توسط نهادهای مکمل خانواده صورت می‌گیرد. مادری که ساعات پرانرژی خود را به دلایل زیادی در خارج از

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

خانه می‌گذراند، چه توقعی باید از فرزندش داشته باشد که زبان او را بفهمد و در آینده سرمایه اجتماعی او در خانواده و جامعه باشد؟ امروزه در مواردی خانه به استراحتگاهی برای اعضای آن بدل شده، نه محلی برای تولید معنا، معرفت و هویت. وقتی والدین شاغل تا پاسی از شب خارج از خانه هستند، حتی اعضای خانواده بر سر سفره غذا دور هم جمع نمی‌شوند، رابطه عاطفی شکل نمی‌گیرد. به این ترتیب، گرایش به زندگی مجردی در کودک شکل می‌گیرد و وقتی به سن جوانی رسید، به این بهانه که می‌خواهم مستقل باشم، سراغ زندگی مجردی می‌رود. شایسته است نقش خانواده با طرح دوستی با فرزندان پررنگ‌تر شود؛ به گونه‌ای که به راحتی فرزندان مشکلات و نیازهای خود را با آنان در میان بگذارند. همچنین اعتقادات فرزندان از کودکی و نوجوانی تقویت شود تا در معرض استفاده ابزاری از سوی جناح‌های سیاسی یا دوستان ناباب قرار نگیرند. اگر فرزندان به جای الگو قرار دادن پدر و مادر خود، شخصیت دیگری را جایگزین نمایند و انطباق رفتاری را با او انجام دهند، بحران در الگوسازی فرزندان با والدین پیش خواهد آمد که خود این عامل، تقویت‌کننده گسست نسل‌ها محسوب می‌شود. برای دختر امروز باید الگوسازی کرد؛ الگویی که با زبانی نرم و امروزی برایش بیان شود تا باورپذیر باشد؛ باید برای او از «دختر شینا»ها^۱ گفت تا با عمق

۱. دختر شینا روایت زندگی دختری به نام «قدم‌خیر محمدی کنعان» است که پدر و مادرش به دلیل حفظ اعتقاداتشان او را به کلاس‌های مختلط مدارس قبل از انقلاب نفرستادند. دختری که چون مدرسه نرفت، بی‌سواد بود؛ اما باور و ایمان باثباتی داشت. دختری که آن قدر می‌ایستد و می‌افتد و دوباره برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند و به همه نشان دهد جهاد واقعی زن، تلاش برای تربیت درست فرزندان و حمایت از همسر در راه مبارزه با دشمنان دین و کشورش است.

جان‌ش بپذیرد روزی دخترانی در این سرزمین شجاعانه در کنار خانواده ایستادند تا ذره‌ای از این خاک به دست دشمن نیفتد؛ باید از زنان جوانی گفت که امروزه با وجود سن کم از بچه‌های کوچکی مراقبت می‌کنند که پدران‌شان را در دفاع از حرم از دست داده‌اند.

۵. عدم پذیرش تغییرات اجتماعی

مهم‌ترین مشکل در مسائل میان‌نسلی، فقدان پذیرش اختلاف و بی‌توجهی به نظر طرف مقابل است. هنگامی که فرد یا نسلی، تنها دیدگاه ویژه مورد تأیید او و هم‌قطارانش را بپسندد و از پذیرش نظر مخالف سر باز زند، زمینه‌های جدایی میان افراد فراهم می‌آید. البته تحمل تفاوت‌ها به معنی قبول همه رفتارها نیست، بلکه به معنی رفتار با دیگران به همان شیوه‌ای است که آنان دوست دارند با ایشان رفتار شود.

شاید فاصله سنی میان دو نسل چندان به چشم نیاید؛ اما باید این واقعیت را پذیرفت که اوضاع دگرگون شده است. حل مشکل بدون فهم و پذیرش این مسئله تقریباً امکان‌ناپذیر است. اگر جوانان دریابند پیران و سالمندان در شرایط و دوران متفاوتی با خودشان رشد کرده و تربیت شده‌اند، توقع نخواهند داشت مثل خودشان بیندیشند یا عمل کنند، آن هم صددرصد و بی‌کم‌وکاست! اگر سالمندان و نسل کهن نیز توجه کنند با تغییر زمان و شرایط و نیازها و ارتباطات، بسیاری از سلیقه‌ها و رفتارها عوض شده و ذهنیات و معلومات نسل نو مثل گذشته نیست، انتظارشان از نوجوانان و جوانان کمتر و عینی‌تر خواهد شد. روایات اسلامی درباره تربیت اولاد منطبق با آداب روزگار خودشان ناظر بر پذیرش تفاوت نسلی در برخی سطوح است. همان‌گونه که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»^۱ آداب و رسوم خود را به فرزندان‌تان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

۶. عدم درک متقابل

یکی از مهم‌ترین دلایل شکاف بین نسل‌ها، عدم درک متقابل است. جوانان و بزرگسالان از توانایی نداشتن برقراری ارتباط شکایت دارند و هر کدام دیگری را متهم می‌کنند. مسن‌ترها از بی‌توجهی‌ها و نادیده‌گرفتن‌های نسل جوان شکایت می‌کنند و جوان‌ترها حوصله‌گله و شکایت‌های مسن‌ترها را ندارند. در بسیاری از خانواده‌های امروزی، والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. به نظر کارشناسان، پدر و مادرها به این دلیل نمی‌توانند با فرزندان نوجوان خود روابط صمیمانه برقرار کنند که آنان را با زمان جوانی و نوجوانی خود مقایسه می‌کنند و انتظار دارند مانند فرزندان آن زمان رفتار کنند؛ حال آنکه خودشان نیز در آن ایام با والدین خود در تضاد بودند و همین مشکل را داشتند.

«در کشوری مانند کره جنوبی با وجود اینکه فاصله میان نسل‌ها زیاد است، نسل گذشته که سنتی‌تر هستند، در تمامی برنامه‌ها و جشن‌هایی که نسل جدید دارند، شرکت می‌کنند؛ هر چند با آن ارتباط برقرار نکنند. دلیل این امر را هم تلاش برای نزدیکی به نسل جدید عنوان می‌کنند و نسل جدید هم با توجه به اینکه شتابان رو به جلو حرکت می‌کند، نسل قدیم را فراموش نمی‌کند و همچنان مفهوم احترام به نسل بزرگ‌تر

۱. عبدالحمید ابن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

برجسته است. این نشان می‌دهد که نسل‌های متفاوت تلاش می‌کنند تا به یک تفاهم برسند؛ اتفاقی که در ایران نمی‌افتد و نسل‌ها حاضر به تعامل و گفتگو با هم نیستند؛ در نتیجه شکاف نسل به انقطاع نزدیک می‌شود.^۱ برخورد مناسب و سازنده با یک نوجوان و جوان، در گرو رعایت سه اصل مهم جلب اعتماد، فاصله‌زدایی و ذهنیت‌شناسی است که در ادامه به این سه مورد می‌پردازیم.

الف) اعتمادسازی

جلب اعتماد از ابتدایی‌ترین ابزار والدین فهیم و فرهیخته‌ای است که برای درک فرزند نوجوان و جوان خویش به کار می‌گیرند. جوان و نوجوان باید ما را بپذیرند و تا زمانی که ما را به دیده قبول ننگرند و احساس نکنند آنها را درک می‌کنیم، چیزی از ما نمی‌پذیرند.

ب) همدلی

با احساس همدلی، جوان و نوجوان احساس می‌کند نه تنها بین او و طرف مقابل هیچ فاصله و شکاف طبقاتی وجود ندارد، بلکه رابطه‌ای کاملاً صمیمی و همدلانه وجود دارد.

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک، چون بیگانگان پس زبان محرمی، خود، دیگر است همدلی از هم‌زبانی بهتر است

ج) شناخت انتظارات والدین

مهم‌ترین دلیل شکاف بین نسل‌ها، ناآگاهی فرزندان از انتظارات والدین است. وقتی فرزند نمی‌داند پدرش چه انتظاری از او دارد، پس نسبت به

۱. خبرگزاری ایرنا، کد خبر ۸۲۶۳۵۲۱۸، ۱۳۹۶/۵/۲۷.

انجام آن خود را متعهد نمی‌داند. در گذشته والدین مرتب گوشزد می‌کردند در کدام مکان چه رفتاری داشته باشیم و ما را با ارزش‌ها و هنجارها آشنا می‌کردند. نسل جدید نباید نسل بالغ را به جاهل بودن، عقب‌ماندگی و سنتی بودن متهم کند، بلکه باید هنر شنیدنش را تقویت کند؛ چراکه نسل بالغ بر اساس تجربیات خود حرف‌های زیادی برای نسل جدید دارد.